



وقتی مقابل مردم قرار می‌گیریم باید با کلامم به آنها آرامش بدهم. این آرامش از آنجا می‌آید که برای هر دقیقه باید مطالعه کنم؛ بعد از مطالعه نوبت ارائه و تقدیم به مخاطب فرا می‌رسد. معتقدم اگر کلام مشوش باشد، مردم به فهم کامل نمی‌رسند

اما برنامه دیده نشده است؛ بخش عمده این دیده نشدن به عهده مجری بوده است و مجری باید توییح شود. چون مجری با مطالعه نکردن و جدی نگرفتن، شأن همه گروه را پایین می‌آورد.

واکنش‌های مردم به برنامه سحرگاهی «صبح روز بعد» چطور بود؟

آن طور که شنیدم در فضای مجازی از نظر مخاطب برنامه از محبوبیت بالایی برخوردار بود. این برنامه مبتنی بر متن، محتوا، مطالعه و مخاطب برایش مهم بود و برای تمامی اجزای آن زحمت کشیده شده است. برای لحظه لحظه برنامه فکر شده است. اگر تمامی پلاتوهای من را از ابتدا تا انتها بیاورید، نمی‌توانید متن و شعر تکراری در آن پیدا کنید. این برنامه در همه ۳۰ قسمت نوآوری بوده و در آن حرف تکراری نزنیم. «صبح روز بعد» نه تکراری بود و نه تکرار می‌شود. برنامه‌های سحر سال قبل کپی‌برداری‌های متعددی بود که اصل نبودند. الگوبرداری خوب است اما وقتی اقتباس باشد، هر برنامه باید خلاقیت داشته باشد؛ چیزی که در بین برنامه‌سازان چشمه‌ای است که زاینده نیست. چندی قبل نماینده یکی از شهرهای لرستان خطاب به آقای پیمان جبلی رئیس صداوسیما توثیق زده بود که شب عید فطر ۵۰ شبکه تلویزیونی را دیدم و متوجه شدم شما درد بی‌پیمانی و زخم بی‌عقلی دارید. سؤال من این است که این نماینده همه برنامه‌ها را دیده است؟ اگر تلقی ما از دیدن، بالا و پایین کردن کانال‌های تلویزیون از روی ریموت کنترل است، نه دیدن است نه تماشا کردن. متأسفانه هر کسی به خود حق می‌دهد که صداوسیما و تلویزیون را نقد کند اما متوجه نیستند که برای تولید هر برنامه چقدر زحمت کشیده شده است. اینها نقد نیست؛ سلیقه شخصی است. مردم باید نمره بدهند. معتقدم «صبح روز بعد» برای مردم تکراری نبود و اگر سال آینده باشم، جور دیگری اجرا می‌کنم. مجری خوب کسی است که نتواند او را حدس زد و پیش‌بینی کرد؛ او باید کاری کند که هر بار روی صحنه پیام جدیدی بدهد و مردم منتظر باشند حرف جدید و کار جدیدی انجام دهد.

به نظر شما جای برنامه‌های مخاطب‌پسندی مثل «صبح روز بعد» در همه ایام سال در تلویزیون خالی نیست؟

از روز بیست و دوم ماه رمضان به بعد مرتباً پیام‌هایی دریافت می‌کردیم که مردم به برنامه عادت کرده‌اند و نگران بودند که به پایان می‌رسد. در شبکه‌های پیام‌رسان مطالبی را ارسال می‌کردند که مشخص بود برنامه‌ها را می‌نویسند. در یکی از برنامه‌ها فردی را از شهر بابل در استان مازندران معرفی کردیم که در حوزه‌های گوناگون ساخت وساز، راه، خدمات عمومی و بهداشتی پیشکار بوده و کسی او را نمی‌شناخت. مشاهیر در کشور ما زیادند و بی‌شمار شخصیت داریم که می‌توانیم به مردم معرفی کنیم؛ باید این اتفاق در طول سال ادامه یابد. شنیده‌ام شبکه دو سیما از مدت‌ها قبل به فکر تولید برنامه‌ای برای بین‌الطووعین افتاده و این ایده در ذهن دوستان تهیه‌کننده و برنامه‌ساز بوده است. ما در تلویزیون جمهوری اسلامی برای احیای شب‌های جمعه و سحرگاهان برنامه نداریم؛ سخنرانی برنامه نیست، چون جای دیگری ضبط شده است. باید برنامه‌های زنده که در آن مجری با وضو مقابل مخاطب قرار گرفته و نشان می‌دهد که او هم بیدار است و اذان صبح را شنیده است، تولید شود. اکنون ذائقه مخاطب آماده شده و رسانه مثل مغازه مشتری را جذب کرده است و باید به او کالای خوب بدهد تا بیرون نرود.

«صبح روز بعد» کاری از گروه معارف اسلامی شبکه دو سیما در ۳۰ قسمت ۱۲۰ دقیقه‌ای، سحرهای ماه مبارک رمضان از ساعت ۴ صبح و از برج میلاد تهران میهمان خانه‌های مردم شد. روایت زندگی قهرمانان تأثیرگذار ملی-مذهبی ایران و کنشگران اجتماعی یا افرادی که دچار آسیب‌های اجتماعی شده‌اند، بخشی از این برنامه سحرگاهی را تشکیل داد. زیارت مزار شهدای دفاع مقدس از قاب تلویزیون و آشنایی با عقاید و افکار شهید، سحرخوانی زنده توسط حمید خزاعی خواننده موسیقی کلاسیک ایرانی و روایت شاعرانه به سبک صابر خراسانی شاعر مذهبی از دیگر بخش‌های این برنامه بود.



گفت‌وگو با فرزند جمشیدی مجری برنامه سحرگاهی

# «صبح روز بعد» نه تکراری بود و نه تکرار می‌شود

فرزاد جمشیدی برنامه سحرگاهی ماه رمضان شبکه دو سیما را چطور معرفی می‌کنید؟

آرزو کرده‌اید که حین اجرای برنامه سحر یا موقع اجرای برنامه «باران» در صحن امام رضا (ع) دست‌تان را در دست مرگ بگذارید. چرا؟

مجری یا گوینده در برنامه سرباز خط مقدم است؛ بهترین آرزوی سرباز این است که خط مقدم نقطه پایان زندگی‌اش باشد. من برای آنتن خیلی تلاش کردم و مشقت‌های فراوانی را پشت‌سر گذاشته‌ام. معتقدم نقطه اوج و عروج آدمی مرگ اوست و نحوه مرگ انسان‌ها چگونه زیستن افراد را نشان می‌دهد. من برای برنامه سحرگاهی و برنامه «باران» در مشهد مقدس خیلی زحمت کشیدم و تلاشم این است که مردم متوجه شوند رسانه مقدس است و عمده حرف‌هایی که علیه رسانه می‌زنند، ناصواب است. دلم می‌خواست بعد از این همه تلاش در بستر بیماری فوت نشوم. به نظرم بچه‌های اصحاب رسانه در حادثه سقوط هواپیمای C-۱۳۰ حق‌شان نبود که درگمانی فوت شوند؛ حق‌شان این بود که مرگ‌شان تلنگر و شروعی دوباره باشد. دلم می‌خواهد مرگم پیام داشته باشد و نشان دهد چگونه زیسته‌ام. من برای برنامه‌های سحر بسیار خونریزی کردم. مثل یک ورزشکار که یک سال در اردو زحمت می‌کشد و رژیم غذایی و ورزش دارد، برای ماه رمضان ۱۱ ماه پشتکار به خرج دادم.

برنامه سحرگاهی «صبح روز بعد» چند درصد موفقیتش را مدیون مجری است؟

سخت معتقدم که این برنامه گروهی بوده و موفقیت آن حاصل تلاش جمعی همه بچه‌های گروه است؛ از کسی که طرح و ایده داد تا من که اجرا کردم. برنامه‌های سحر همیشه این گونه بوده که منیتی در آن نداریم و قطبی نداریم که به سمتی میل کند اما اینکه مردم این اجرا را قبول کردند، دوست دارم به شخصیت حقوقی مجری برگردد، اینکه این برنامه حقیقت بود که از لحاظ اجرا امتیاز کسب کند؛ از آن جهت که برای یکایک جزئیات آن از دکور تا بخش زحمت کشیده شده است. در کشورهای عربی به مجری مسئول نتیجه‌گیری می‌گویند؛ یعنی همه پاس گل داده‌اند و توپ به پای مجری رسیده و او باید آن را وارد دروازه کند و گل بزند. بارها دیده شده که یک برنامه خیلی خوب، با مجری بد زمین خورده و برعکس یک برنامه خیلی بد، با مجری خوب بالا رفته است. مجری نقش مهمی دارد؛ همه کارها را سایرین انجام می‌دهند اما یک نفر باید همه‌چیز را قوام بیاورد. بارها ناراحت شده‌ام که گروهی زحمت کشیده‌اند

وجه تمایز فرزند جمشیدی در این است که بسیار از مخاطب خود هراس دارد و او را با سوادتر از خودش می‌داند و پیش از آنکه مجری باشد، معتقد است برای هر دقیقه اجرای برنامه باید مطالعه کرد؛ فرزند جمشیدی ترس از صحبت کردن با مردم دارد؛ وقتی ترس بریزد، هیچ چیز باقی نمی‌ماند؛ این ترس مقدس است. فرزاد جمشیدی پیش از آنکه مجری باشد، فردی است که قلم، واژه، کتاب و کتابت برایش مهم است و سال‌ها برای آن زحمت کشیده است. او همه طبقات را از گزارشگری، خبرنگاری، نویسندگی، گویندگی و اجرا پشت سر هم بالا آمده است و خدا را از این بابت خیلی شکر می‌کند. تعریف مردم از مجری به معنای فردی که برنامه را اجرا می‌کند یا کسی که برنامه را اداره می‌کند، صحیح و صواب نیست؛ مجری متن محفوظ را به متن مفهوم تبدیل می‌کند و باید برای فهمیدن و فهماندن آن زحمت کشید. فرزند جمشیدی آدمی گزیده‌کار است و کارش را خیلی سخت انتخاب می‌کند و هر بار هنگام دعوت ترس دارد مبدا فرصت و فضایی را که در اختیارش قرار گرفته مطالعه نکرده باشد.

آرامشی که همیشه چاشنی اجرای شماست، از کجا ناشی می‌شود؟

در عمق دریا گرداب است؛ این آرامش ظاهری حاصل آن گرداب است. یعنی بعد از آن همه اضطراب معتقدم وقتی مقابل مردم قرار می‌گیرم باید با کلامم به آنها آرامش بدهم. این آرامش از آنجا می‌آید که برای هر دقیقه باید مطالعه کنم؛ بعد از مطالعه نوبت ارائه و تقدیم به مخاطب فرا می‌رسد. معتقدم اگر کلام مشوش باشد، مردم به فهم کامل نمی‌رسند. این آرامش حاصل یک توکل است و چیزی غیر از این نیست. من همیشه معتقدم دوربین یک موجود زنده و خود مردم است که وقتی به چشمانش نگاه می‌کنم، باید با آن درد دل کنم و سخت معتقدم هر حرفی که می‌زنیم باید به آن پایبند باشیم. شیخ عباس قمی بعد از تألیف مفاتیح الجنان، گفت کتاب را چاپ نکنند تا توصیه‌های عبادی و دینی را که در آن آورده است یک بار انجام دهد. اگر ما به حرفی که می‌زنیم باورمند و عامل نباشیم، عملاً کار نمی‌گیرد. این آرامش حاصل مطالعه و باورمند بودن نسبت به آن چیزی است که می‌گویم.

بهناز شریفی  
روزنامه‌نگار



«صبح روز بعد» عنوان ویژه برنامه سحرگاهی در ماه مبارک رمضان بود که به مدت ۳۰ روز با اجرای فرزند جمشیدی روی آنتن شبکه دو سیما رفت. برخوردار از آیت‌های متنوع و خلاقانه که عمدتاً با محوریت مجری برنامه پیش می‌رفت، «صبح روز بعد» را از سایر برنامه‌های سحرگاهی متمایز کرده بود. در ادامه صحبت‌های فرزند جمشیدی مجری با سابقه رسانه ملی را می‌خوانید که سال‌های متمسادی از عمر خود را صرف اجرا در تلویزیون کرده است. وی که همواره از فقدان مجری معارفی در تلویزیون گلایه دارد، بر ضرورت پرورش مجریان معارفی در آنتن‌های عبادی و دینی - که مداح و واعظ نباشند - تأکید می‌کند.



اگر تمامی پلاتوهای من را از ابتدا تا انتها بیاورید، نمی‌توانید متن و شعر تکراری در آن پیدا کنید. این برنامه در همه ۳۰ قسمت نوآوری بوده و در آن حرف تکراری نزنیم. «صبح روز بعد» نه تکراری بود و نه تکرار می‌شود. برنامه‌های سحر سال قبل کپی‌برداری‌های متعددی بود که اصل نبودند. الگوبرداری خوب است اما وقتی اقتباس باشد، هر برنامه باید خلاقیت داشته باشد؛ چیزی که در بین برنامه‌سازان چشمه‌ای است که زاینده نیست